

The Role of Anxiety, Dimensions of Social Competence and Emotion Regulation in Aggression

Faezeh Nouri Zareh¹, Alireza Ebady^{1,*}, Naimeh Mashinchi Abbasi², Touraj Hashemi Nosratabad³

¹ Master Student of Clinical Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

² Assistant Professor, Department of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

³ Professor, Department of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 4 June 2024

Revised: 7 May 2026

Accepted: 25 May 2026

Available online: 6 June 2026

Article Type: Research Article

Keywords

Anxiety; Social Competence; Emotion Regulation; Aggression

Corresponding Author*

Alireza Ebady is a Master Student of Clinical Psychology, Psychology Department, University of Tabriz. His research interests include personality, emotions, cognition, and their impact on decision making and behavior of individuals, especially adolescents and young adults. Correspondence concerning this article should be addressed to Alireza Ebady, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, 29 Bahman Boulevard, Tabriz. Postal Code 51666-16471.

ORCID: 0009-0007-1433-8386

E-mail: alirezaebaddy@gmail.com

doi: <http://dx.doi.org/>

ABSTRACT

Aggression is considered one of the major behavioral challenges with wide-ranging individual and social consequences, and identifying its contributing factors can provide useful insights for prevention and psychological interventions. The current study's aim was to investigate the role of anxiety and dimensions of social competence and emotion regulation in aggression. In terms of the goals, current research is classified as fundamental. And in terms of its data-collecting method, it's a descriptive-correlational study. 340 students of Tabriz University were selected by cluster sampling method. After giving necessary explanations and with informed consent, the sample students responded to Parandini & Karami Social Competence Questionnaire (2006), John & Gross Emotion Regulation Questionnaire (2003), Beck Anxiety Inventory (1988), and the Brief Aggression Questionnaire of Webster et al. (2014). In order to investigate the composite role of these variables in predicting aggression, we used multiple regression analysis method in analysing the data. The results of the regression analysis showed that anxiety and dimensions of social competence and emotion regulation were significantly correlated with aggression and predicted 25 % of aggression. Also, 25% of variance of aggression can be explained by anxiety and subcomponents of social competence and emotion regulation. In order to determine the separate and particular role of each subcomponent and variable in predicting aggression, we calculated standardized and non-standard regression coefficients and The results of the analysis showed that among predictive variables of investigation, anxiety and two major sub-components of social competence namely, Motivation and Expectation sets and Behavioral skills are able to significantly predict part of the variance of aggression. Dimensions of Emotion regulation and other dimensions of social competence did not have a significant role in predicting aggression. Overall, the findings of this research indicated that anxiety and some sub-components of social competence can play an important role in predicting aggression.

Citation: Nouri Zareh, F., Ebady, A., Mashinchi Abbasi, N., & Hashemi Nosratabad, T. (2025/1404). The Role of Anxiety, Dimensions of Social Competence and Emotion Regulation in Aggression. *Contemporary Psychology*, 20(2), 1-18. <http://dx.doi.org/>

نقش اضطراب، ابعاد کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان در پیش‌بینی پرخاشگری

فائزه نوری زارع^۱، علیرضا عبادی^{۱*}، نعیمه ماشین‌چی عباسی^۲، تورج هاشمی نصرت‌آباد^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۲ استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۳ استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

پرخاشگری به عنوان یکی از چالش‌های رفتاری مهم، پیامدهای فردی و اجتماعی گسترده‌ای دارد و شناسایی عوامل مؤثر بر آن می‌تواند به پیشگیری و مداخله‌های روان‌شناختی کمک کند. هدف مطالعه حاضر تعیین نقش اضطراب و زیرمولفه‌های کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان در پیش‌بینی پرخاشگری بود. این پژوهش با توجه به هدف از نوع بنیادی و با توجه به شیوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی بود. برای این منظور ۳۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. افراد نمونه پس از ارائه توضیحات لازم و کسب رضایت آگاهانه، به پرسشنامه اضطراب بک (۱۹۸۸)، کفایت اجتماعی پرن‌دین و کرمی (۱۳۸۵)، پرسشنامه تنظیم هیجان جان و گراس (۲۰۰۳) و پرسشنامه مختصر پرخاشگری وبستر و همکاران (۲۰۱۴) پاسخ دادند. به منظور بررسی نقش ترکیبی این متغیرها در پیش‌بینی پرخاشگری در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که اضطراب و ابعاد کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان توان قابل توجهی در پیش‌بینی پرخاشگری دارند و به میزان ۲۵ درصد پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین ۲۵ درصد از واریانس پرخاشگری به وسیله اضطراب، زیرمولفه‌های کفایت اجتماعی و زیرمولفه‌های تنظیم هیجان، تبیین می‌شود. جهت تعیین نقش تفکیکی هر یک از زیرمولفه‌ها و متغیرها در پیش‌بینی پرخاشگری، ضرایب استاندارد شده و غیراستاندارد رگرسیون محاسبه شد که نتایج این تحلیل نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین این پژوهش، اضطراب و زیر مولفه آمایه‌های انگیزشی و انتظارات کفایت اجتماعی و زیر مولفه مهارت‌های رفتاری کفایت اجتماعی، قادر هستند بخشی از واریانس پرخاشگری را به طور معنی‌داری پیش‌بینی کنند. ابعاد تنظیم هیجان و سایر ابعاد کفایت اجتماعی نقش معنی‌داری در پیش‌بینی پرخاشگری نداشتند. در مجموع یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که اضطراب و برخی از زیرمولفه‌های کفایت اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در پیش‌بینی پرخاشگری ایفا کنند.

اطلاعات مقاله

تاریخچه

دریافت: ۱۵ خرداد ۱۴۰۳

اصلاح نهایی: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵

پذیرش: ۴ خرداد ۱۴۰۵

انتشار آنلاین: ۱۶ خرداد ۱۴۰۵

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

کلیدواژه‌ها

اضطراب؛ کفایت اجتماعی؛ تنظیم هیجان؛ پرخاشگری

نویسنده مسئول*

علیرضا عبادی دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی است. علایق پژوهشی وی شخصیت، هیجانات، شناخت و تأثیرشان بر روند تصمیم‌گیری و رفتار افراد به ویژه در نوجوانان و جوانان است. برای مکاتبه در مورد این مقاله، با علیرضا عبادی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، بلوار ۲۹ بهمن، کد پستی: ۵۱۶۶۶۱۶۴۷۱ تماس داشته باشید.

ارکید: ۸۳۸۶-۱۴۳۳-۰۰۷-۰۰۹

پست الکترونیکی: alirezaebady@gmail.com

مقدمه

و هاسمن، ۲۰۱۰؛ دی وال و همکاران، ۲۰۰۲؛ بر اساس این تعریف، پرخاشگری دو ویژگی مشخص دارد: نیت آسیب‌رسانی به قربانی^۲، که اکثر افراد احتمالاً آن را خصیصه‌ای لازم برای تعریف پرخاشگری می‌دانند و انگیزه قربانی^۳، چراکه تصور موقعیتی که فرد کم‌ترین تلاشی برای فرار یا اجتناب از مورد حمله قرار گرفتن نمی‌کند، سخت است (جین، ۲۰۰۱). پرخاشگری می‌تواند تظاهرات مختلفی از جمله

یکی از اساسی‌ترین مشکلات هیجانی انسان‌ها، پرخاشگری^۱ است که تأثیر به‌سزایی در بعد فردی و اجتماعی زندگی انسان‌ها داشته و پیامدهای ناگواری ایجاد می‌کند. پژوهشگران در تعریف پرخاشگری از یک تعریف واحد پشتیبانی می‌کنند (آلن و اندرسون، ۲۰۱۷). پرخاشگری را می‌توان به عنوان رفتاری با هدف مشخص آسیب رساندن به فردی تعریف کرد که از آن آسیب اجتناب می‌کند (بوشمن

³ motivation of the victim

¹ aggression

² intent to harm

وتوانایی‌های اجتماعی است که منجر به ارتقای پذیرش از سوی همسالان و شکل‌گیری روابط دوستانه می‌شود. در این راستا فلنر و همکاران (۱۹۹۰)، معتقدند کفایت اجتماعی دارای چهار مؤلفه است: مهارت‌های شناختی که شامل خزانه اطلاعات و مهارت‌های پردازش و اکتساب اطلاعات (انجمن کارنگی تحول نوجوانی، ۱۹۸۹)، توانایی تصمیم‌گیری (کندال و برازول، ۱۹۹۳)، باورهای ناکارآمد (بک، ۱۹۹۱) و سبک‌های اسنادی است. مهارت‌های رفتاری شامل: ایفای نقش، مذاکره، جرات‌ورزی، مهارت‌های محاوره‌ای برای شروع و تداوم تعامل‌های اجتماعی، مهارت‌های فراگیری و یادگیری رفتار دوستانه با دیگران می‌شود. مؤلفه دیگر، مهارت‌های هیجانی که برای برقراری روابط مثبت با دیگران، ایجاد و گسترش اعتماد و روابط حمایتی دوطرفه، شناسایی و پاسخ‌دهی مناسب به علائم هیجانی در روابط اجتماعی یا مدیریت استرس لازم است. در آخر، مهارت‌های انگیزشی که شامل ساختار ارزشی فرد، سطح رشد اخلاقی، احساس اثربخشی و کنترل فرد و احساس خودکارآمدی می‌شود.

افرادی که کفایت اجتماعی پایینی دارند، سازش اجتماعی کم‌تری نشان می‌دهند و هنگام تجربه ناکامی، واکنش پرخاشگرانه دارند. به عبارتی، افراد پرخاشگر ارزیابی منفی از خودشان دارند و به ندرت با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند (باباخانی، ۲۰۱۱). از جمله مشاهداتی که می‌توان در افراد پرخاشگر اشاره کرد، رابطه منفی همدلی با پرخاشگری است که در پژوهش میلر و آیزنبرگ (۱۹۸۸) مشخص شده‌است. افراد پرخاشگر، پیوسته در موقعیت‌های اجتماعی مبهم، نیت خصمانه استنباط می‌کنند (الویس، ۱۹۹۷).

لیو و همکاران (۲۰۱۷)، در مطالعه خود دریافتند که دانش آموزان دارای کفایت اجتماعی-هیجانی، رفتارهای پرخاشگرانه کم‌تری انجام می‌دهند. مطالعه مالتی (۲۰۰۶) نیز نشان می‌دهد که پرخاشگری با کفایت هیجانی رابطه منفی دارد و کودکان غیر پرخاشگر با درک از خود بالا، کفایت اجتماعی بالاتری نسبت به کودکان پرخاشگر با درک از خود بالا و پایین نشان می‌دهند. مک‌کینون-لوییس و همکاران (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای دریافتند که پسران با تعاملات مبتنی بر زورگویی با مادرانشان، به احتمال بیشتری رفتار پرخاشگرانه بروز می‌دهند و رفتارهای با کفایت اجتماعی کم‌تری نسبت به همسالان خودشان دارند. رابینسون و همکاران (۲۰۱۳)، کاسترو و همکاران (۲۰۰۷) و پتیت و همکاران (۱۹۹۱) نیز وجود رابطه بین کفایت اجتماعی و پرخاشگری را تأیید کرده‌اند.

عامل دیگری که در پیش‌بینی پرخاشگری نقش دارد، تنظیم هیجانی^۵ است. راهبردهای تنظیم شناختی هیجان به نحوه تفکر افراد

پرخاشگری کلامی (با یا بدون حمله فیزیکی)^۱، پرخاشگری فیزیکی^۲ آدر برابر دیگران و علیه اموال داشته‌باشد (پولمن و همکاران، ۲۰۰۸؛ جندریو و آرچر، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، یکی از مشکلات برونی‌سازی شده‌ی شایع در بین کودکان پرخاشگری است (السماعیلی و همکاران، ۲۰۲۲). پرخاشگری رفتاری است که از یک سو تحت تاثیر عوامل موقعیتی و روانشناختی است و از سوی دیگر عوامل ژنتیک و زیست‌شناختی در استقرار و گسترش آن نقش بسیار عمده‌ای بازی می‌کنند (مرعشی و همکاران، ۲۰۲۲). بروز پرخاشگری در عرصه‌های مختلف نشان‌دهنده‌ی گستردگی آن است. به نحوی که حتی مطابق با گل پرور و همکاران (۲۰۱۳)، رفتارهای پرخاشگرانه در محیط کار نیز طی چند دهه قبل تاکنون از جهات و ابعاد مختلف محور توجه قرار گرفته‌اند.

یکی از عواملی که در پیش‌بینی پرخاشگری تاثیر دارد، اضطراب^۳ است. اضطراب، هیجانی ناخوشایند، پیچیده و چندوجهی است که همه‌ی افراد درجاتی از آن را در قالب کلمه‌هایی همچون دلشوره، نگرانی، تنش و ترس تجربه می‌کنند (اتکینسون و همکاران، ۲۰۱۶). اضطراب، اغلب با احساس ناآرامی و ترس توصیف می‌شود (وانین، ۲۰۰۸)، و وقتی به حالت افراطی برسد، می‌تواند تاثیر بسزایی بر زندگی فرد بگذارد (بونو، ۲۰۰۴). احتمالاً سطوح غیرعادی اضطراب که حاصل اختلال در تنظیم هیجان است، می‌تواند منجر به پرخاشگری و خشونت افراطی شود (نومان و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین اضطراب بالا مبنای ابراز تکانشی پرخاشگری محسوب می‌شود (پوپوا و همکاران، ۲۰۱۷).

پژوهش‌های زیادی موید وجود رابطه بین اضطراب و پرخاشگری هستند. وینما و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه حیوانی خود دریافتند که اضطراب ذاتی پایین با پرخاشگری بالا در موش‌های مذکر، رابطه دارد. چونگ و همکاران (۲۰۱۹) نیز در پژوهش خودشان به این نتیجه رسیدند که ریسک بالاتر اضطراب در نوجوانان، به جای پرخاشگری مستقیم، با نمرات پرخاشگری بالاتر مخصوصاً در زیرنوع‌های خشم و خصومت، رابطه دارد. در این راستا پوپوا و همکاران (۲۰۱۷) طی پژوهشی دریافتند که سطوح بالای اضطراب با پرخاشگری افزایش‌یافته رابطه بالایی دارد، در حالی که سطوح پایین اضطراب با پرخاشگری کاهش‌یافته رابطه منفی دارد. همچنین مطالعه گرانیچ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که اضطراب در کودکان می‌تواند پرخاشگری و سطوح تنظیم‌یافته اضطراب را فعال سازد.

عامل پیش‌بینی‌کننده دیگر، کفایت اجتماعی^۴ است. طبق تعریف ریان و شیم (۲۰۰۶)، کفایت اجتماعی سازه‌ای شامل مهارت‌ها

^۴ social competence

^۵ emotion regulation

^۱ verbal aggression

^۲ physical aggression

^۳ anxiety

چونگ و همکاران، ۲۰۱۹)، اما این پژوهش‌ها بیشتر بر یک عامل منفرد متمرکز بوده و نقش همزمان اضطراب در کنار سایر متغیرهای روان‌شناختی همچون کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان کمتر بررسی شده است. همچنین، تحقیقات انجام‌شده درباره‌ی کفایت اجتماعی نشان داده‌اند که این متغیر می‌تواند با پرخاشگری رابطه‌ی منفی داشته باشد (لیو و همکاران، ۲۰۱۷؛ مالتی، ۲۰۰۶)، اما اغلب این پژوهش‌ها تنها به یک بُعد خاص از کفایت اجتماعی پرداخته و ترکیب مؤلفه‌های مختلف آن در پیش‌بینی پرخاشگری مغفول مانده است. از سوی دیگر، اگرچه شواهد پژوهشی نقش تنظیم هیجان در پرخاشگری را تأیید کرده‌اند (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۹؛ نوراستروم و پیپ، ۲۰۱۰)، اما کمتر مطالعه‌ای سهم نسبی تنظیم هیجان را در کنار اضطراب و کفایت اجتماعی بررسی کرده است.

پرداختن به این موضوع از چند جهت اهمیت دارد. نخست آن که پرخاشگری یکی از مشکلات رفتاری شایع در دوران کودکی، نوجوانی و بزرگسالی است و پیامدهای گسترده‌ای بر سلامت روان، روابط خانوادگی، تعاملات اجتماعی و حتی سلامت جسمانی افراد دارد. در سطح اجتماعی، پرخاشگری می‌تواند به افزایش تعارضات، کاهش کیفیت روابط بین‌فردی و ایجاد هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شود. دوم آن که شناسایی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر پرخاشگری، همچون اضطراب، کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان، می‌تواند به متخصصان روان‌شناسی، مشاوره و تعلیم‌وتربیت کمک کند تا برنامه‌های آموزشی و مداخلات پیشگیرانه‌ای طراحی نمایند که از بروز یا تشدید رفتارهای پرخاشگرانه جلوگیری کند. سوم آن که این پژوهش می‌تواند با روشن کردن سهم نسبی هر یک از این عوامل، درک جامع‌تری از سازوکارهای پرخاشگری ارائه دهد و زمینه‌ساز پژوهش‌ها و اقدامات کاربردی در حوزه‌ی سلامت روان گردد.

بر این اساس، هدف پژوهش ما این بود که نقش اضطراب، ابعاد کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان را در پیش‌بینی پرخاشگری بررسی کنیم. به طور مشخص، ما در پی آن بودیم که روشن کنیم کدامیک از این متغیرهای روان‌شناختی سهم بیشتری در تبیین پرخاشگری دارند و چگونه می‌توانند در کنار یکدیگر به پیش‌بینی بهتر این پدیده کمک نمایند.

روش

طرح پژوهش

طرح پژوهش حاضر با توجه به هدف پژوهش از نوع همبستگی و با توجه به شیوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی است. پژوهش حاضر با توجه به عمق مطالعه از نوع پهنانگر و با توجه به ملاک زمان از نوع مقطعی است.

پس از بروز یک تجربه منفی یا واقعی آسیب‌زا اطلاق می‌گردد. لذا تنظیم شناختی هیجان، یکی از راهبردهای مقابله‌ای در فرایندهای مختلف از قبیل پرخاشگری در برابر تجارب ناخوشایند است (آلدائو و همکاران، ۲۰۱۰). تنظیم هیجان، مجموعه فرایندهای خودکار و کنترل شده‌ای است که شامل شروع، حفظ، نگهداشت و تغییر هیجانات بوده و این امر در وقوع، شدت و طول مدت حالات احساسی و عاطفی اثرگذار است (گراس و تامپسون، ۲۰۰۷).

مطابق با نظریه گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۴)، شناخت و فرایندهای شناختی به افراد کمک می‌کند تا هیجانات و احساساتشان را تنظیم کنند. تاثیر هیجانات در فعالیت‌های پرخاشگرانه ازسوی پژوهشگران بسیاری (آلدائو و همکاران، ۲۰۱۰؛ کواسچوا و همکاران، ۲۰۱۶) مورد تایید قرار گرفته است و بسیاری از افراد، پرخاشگری را ناشی از عدم کنترل هیجانات لحظه‌ای تعریف می‌کنند (دوناهو و همکاران، ۲۰۱۴). پرخاشگری نتیجه ناتوانی افراد در تنظیم شناختی هیجان است و به عنوان یک راهبرد ناکارآمد در پاسخ به حوادث تنش‌زا و ناگوار تلقی می‌شود (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۹). تنظیم هیجان غیرانطباقی (کژ تنظیمی هیجان)، با رفتار پرخاشگرانه مرتبط است و برخی شواهد پژوهشی از وجود این رابطه حمایت می‌کنند (اکهارت و همکاران، ۲۰۰۲؛ دوئل و دولان، ۲۰۰۶؛ کرنل و همکاران، ۱۹۹۹؛ نوراستروم و پیپ، ۲۰۱۰). به عنوان مثال در پژوهشی، کژ تنظیمی هیجان به ویژه وضوح و آگاهی هیجانی با پرخاشگری رابطه داشت (کهن و همکاران، ۲۰۱۰).

مطالعات مارتین و داهلن (۲۰۰۵) نشان داد که بین تنظیم هیجان شناختی با افسردگی، اضطراب، استرس و خشم رابطه وجود دارد و بیش‌تنظیمی هیجان می‌تواند به وسیله افزایش عاطفه منفی، کاهش بازداری‌ها بر ضد پرخاشگری، تقسیم کردن فرایندهای تصمیم‌گیری، تنزل شبکه‌های اجتماعی و افزایش برانگیختگی فیزیولوژیکی موجب رفتار پرخاشگرانه شود (روبرتون و همکاران، ۲۰۱۲). حماما و رون-شنه‌هاو (۲۰۱۲) نیز دریافتند که سطوح بالای تنظیم هیجان و حمایت اجتماعی ممکن است باعث کاهش پرخاشگری نوجوانان شود. کاهن و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که قابلیت تنظیم هیجان، موجب کاهش انگیزه برای انجام رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که پرخاشگری تاحدودی یک ویژگی باثبات شخصیتی است (کالدیایو همکاران، ۲۰۱۷). اما این ثبات به چه میزانی است و تا چه حدی به وسیله برخی متغیرهای روانشناختی مانند کفایت اجتماعی، تنظیم هیجان و اضطراب پیش‌بینی می‌شود؟ با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه‌ی پرخاشگری، هنوز چند خلأ اساسی در این حوزه باقی است. برای نمونه، مطالعات بسیاری به رابطه‌ی اضطراب و پرخاشگری پرداخته‌اند (پوپوا و همکاران، ۲۰۱۷؛

شرکت کنندگان

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ (حدود ۲۴۰۰۰ نفر) بود که به شیوه تصادفی خوشه‌ای، انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Z=1.96$)، نسبت برآورد محافظه کارانه ($p=0.5$) و خطای مجاز، ۰۰۰۵ محاسبه شد. بر این اساس، حجم نمونه برای جامعه‌ی نامحدود ۳۸۴ نفر به دست آمد. با اعمال تصحیح جامعه محدود برای جامعه‌ای با حجم تقریبی ۲۴۰۰۰ نفر، حجم نمونه برابر با ۳۷۸ نفر برآورد گردید. با این حال، با توجه به محدودیت‌های اجرایی و نیز کفایت آماری، حجم نمونه در این پژوهش ۳۴۰ نفر در نظر گرفته شد که همچنان خطای برآورد در حد قابل قبول (حدود ۰۰۰۵۳) باقی می‌ماند. بنابراین ۳۴۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه تبریز انتخاب شد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت؛ بدین ترتیب که ابتدا فهرست دانشکده‌های دانشگاه تبریز تهیه شد، سپس چهار دانشکده و از هر دانشکده سه کلاس به طور تصادفی انتخاب گردید. شرکت کنندگان شامل دانشجویان مقطع کارشناسی (۱۹۲ نفر)، کارشناسی ارشد (۱۲۶ نفر) و دکتری (۲۲ نفر) بودند که در دامنه سنی ۱۸ تا ۴۰ سال قرار داشتند. از میان آن‌ها، ۱۳۰ نفر (۳۸.۲ درصد) مرد و ۲۱۰ نفر (۶۱.۸ درصد) زن بودند.

ابزار سنجش

پرسشنامه کفایت اجتماعی^۱: این پرسشنامه شامل ۴۷ سوال بوده و بر مبنای مدل نظری کفایت اجتماعی فلنر و همکاران (۱۹۹۰) در سال ۲۰۰۶ ساخته شده است و چهار بعد مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی، مهارت‌های رفتاری، کفایت‌های هیجانی، آمایه‌های انگیزشی و انتظار را می‌سنجد. به منظور بررسی روایی این پرسشنامه، از روایی محتوایی و روایی سازه استفاده شده است. با توجه به پشتوانه‌ی نظریه‌ی مطرح شده‌ی فلنر، از دیدگاه متخصصان روانسنجی، روایی صوری و منطقی این پرسشنامه تایید شد. مطابق با پرنسپل و کرمی (۲۰۰۶)، روایی سازه‌ی این پرسشنامه نیز با دو روش مورد بررسی قرار گرفت. همبستگی کل مقیاس با خرده مقیاس‌ها بالا بوده و در سطح ۹۹ درصد معنی دار بود. همچنین روایی سازه، با استفاده از روش تحلیل عاملی نیز مورد بررسی قرار گرفت. مقدار KMO (کفایت نمونه) برابر با ۰/۸۲۶ به دست آمد. بنابراین روایی بیرونی پژوهش نیز که نمونه‌ای از حجم نمونه‌ی مکفی است، مورد تایید قرار گرفت. آزمون بارتلت نیز معنی دار بود. همچنین تمامی مقادیر مرتبط با همبستگی سوالات با کل آزمون در راستای تحلیل مولفه‌های اصلی بالاتر از ۰/۵۰ بود که

نشان از همبستگی بالای بین تک تک سوالات با کل آزمون بود. پرنسپل و کرمی (۲۰۰۶)، برای برآورد ضریب پایایی، از دو روش آلفای کرونباخ و پایایی بازآزمون استفاده کردند. از روش آلفای کرونباخ برای بررسی همسانی درونی مقیاس و خرده مقیاس‌ها استفاده شد. ضریب آلفای به دست آمده بعد از حذف سوالاتی که همبستگی کمی با نمره‌ی کل داشتند، برابر با ۰/۸۸۴ بود. این نشان می‌دهد که پرسشنامه از ضریب همسانی درونی قابل قبولی برخوردار است. علاوه بر این، در کنار آلفای کرونباخ، از روش پایایی بازآزمون نیز استفاده شد. پرسشنامه روی ۳۰ نفر آزمودنی در فاصله‌ی ۴ هفته اجرا شد. ضریب همبستگی بین دو بار اجرا ۰/۸۸۹ به دست آمد که نشان دهنده‌ی پایایی بالاست. همچنین در پژوهشی که پرنسپل روی نوجوانان تهرانی انجام داد، در تحلیل عاملی داده‌ها، چهار عامل مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی، مهارت‌های رفتاری، کفایت‌های هیجانی، آمایه‌های انگیزشی و انتظار از هم تفکیک شدند.

پرسشنامه تنظیم هیجانی^۲: این مقیاس به وسیله‌ی گراس و جان (۲۰۰۳) تهیه شده است و از ۱۰ گویه و ۲ زیرمقیاس، یعنی ارزیابی مجدد (۶ گویه) و فرونشانی (۴ گویه) تشکیل شده است. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت (۷ درجه‌ای)، از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) است. ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی مجدد، ۰/۷۹ و برای فرونشانی، ۰/۷۳ و پایایی بازآزمایی بعد از ۳ ماه برای کل مقیاس، ۰/۶۹ گزارش شده است. نسخه فارسی پرسشنامه تنظیم هیجان گراس و جان در فرهنگ ایرانی از سوی قاسم پور و همکاران (۲۰۱۲) هنجاریابی شده است. روان‌سنجی این مقیاس بر روی دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی مورد مطالعه قرار گرفته است که ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های ارزیابی مجدد، فرونشانی و همچنین کل مقیاس، به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۵۲ و ۰/۷۱ گزارش شده است. یافته‌های مذکور با نتایج پرسشنامه گراس و جان و همچنین با ضریب آلفای کرونباخ مطرح در پژوهش داخلی دیگری همسان است (مشهدی و همکاران، ۱۹۹۳)، که نشان از کفایت قابل قبول پرسشنامه‌ی مذکور در پژوهش‌های داخلی است.

پرسشنامه اضطراب بک^۳ (BAI): این پرسشنامه یک مقیاس خودگزارش دهی ۲۱ سوالی است که برای سنجش اضطراب به عنوان سازه‌ای تک عاملی استفاده می‌شود. هر سوال دارای ۴ گزینه است و از صفر تا سه نمره گذاری می‌شود. این مقیاس در سال ۱۹۸۸ از سوی بک و با هدف سنجش شدت نشانه‌های اضطراب و کاهش همپوشی با نشانه‌های افسردگی طراحی شد (بک و اپستین، ۱۹۹۳؛ بک و همکاران، ۱۹۸۸). نتایج پژوهش کاویانی و موسوی (۲۰۰۸) نشان داد

³ Beck Anxiety Inventory (BAI)¹ Social Competence Questionnaire² Emotion Regulation Questionnaire

شد. پس از انتخاب نمونه‌ها و توجیه آنها و جلب اعتماد و اطمینان از رضایت آن‌ها در خصوص مشارکت در پژوهش حاضر، ابتدا هدف پژوهش به نمونه‌های انتخاب شده توضیح داده شد، سپس پرسشنامه‌های پژوهشی در اختیار آن‌ها گزارده شد و به هر دانشجو اجازه داده شد که هر پرسشنامه را در مدت زمان ۲۰ دقیقه تکمیل کند. به آن‌ها گفته شد که در هر لحظه که متوجه شوند تمایلی به ادامه شرکت در پژوهش ندارند، می‌توانند از انجام پژوهش کناره‌گیری کنند. همچنین تضمین داده شد که اطلاعات آن‌ها به صورت محرمانه نگه‌داری و استفاده خواهد شد در حین پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌ها به سوالات احتمالی آن‌ها پاسخ داده شد و پس از تکمیل پرسشنامه‌ها نسبت به جمع‌آوری آن‌ها اقدام شد. در مرحله بعدی بعد از گردآوری پرسشنامه‌ها، وقت کافی برای سوالات و نکات شرکت‌کنندگان پس از پاسخ به سوالات پرسشنامه گذاشته شد. در این مرحله مجدداً توضیحی کلی در مورد اهداف پژوهش داده شد و اطمینان حاصل شد که شرکت‌کنندگان سوال یا نگرانی خاصی در مورد پژوهش و مشارکتشان در این پژوهش نداشته باشند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، واریسی اولیه در خصوص تکمیل شدن همه پرسشنامه‌ها و همه سوالات انجام پذیرفت. پرسشنامه‌های غیرقابل استفاده کنار گذاشته شد و پرسشنامه‌های قابل استفاده مورد بررسی قرار گرفت. فرایند پر کردن پرسشنامه‌ها به صورت حضوری انجام شد و یک آزمون‌گر در کل فرایند اجرا در دسترس شرکت‌کنندگان بود تا به سوالات و نگرانی‌های شرکت‌کنندگان پاسخ داده شود. در مرحله‌ی بعدی داده‌های مورد نیاز با تصحیح پرسشنامه‌ها طبق کلید سوالات پرسشنامه‌ها استخراج شدند و در مرحله آخر داده‌ها به نرم‌افزارهای آماری مورد نیاز داده شده و با استفاده از روش‌های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

شیوه تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که ابتدا پیش‌فرض‌های هم‌خطی چندگانه و استقلال منابع خطا با استفاده از شاخص‌های VIF و Tolerance و آزمون دوربین واتسون مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه نقش تفکیکی هر یک از زیرمولفه‌ها و متغیرها در پیش‌بینی پرخاشگری نیز بررسی شد. همچنین به منظور بررسی نقش ترکیبی متغیرها در پیش‌بینی پرخاشگری، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. جهت تعیین نقش تفکیکی هر یک از زیرمولفه‌ها و متغیرها در پیش‌بینی پرخاشگری، ضرایب استاندارد شده و غیراستاندارد محاسبه شد. و برای بررسی همبستگی بین خرد مقیاس‌ها و گویه‌ها نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS² 26 تحلیل شد.

که آزمون مورد نظر دارای روایی ($r=0.72$ ، $p<0.001$)، پایایی ($r=0.83$ ، $p<0.001$) و ثبات درونی ($\text{Alpha}=0.92$) مناسبی است. با توجه به گستردگی نمونه و متدولوژی به کار گرفته شده، در مجموع، نسخه فارسی BAI مناسب ارزیابی‌های بالینی و پژوهشی در جمعیت ایرانی است.

پرسشنامه مختصر پرخاشگری (BAQ)¹. این پرسشنامه به‌وسیله‌ی وبستر و همکاران (۲۰۱۴) تهیه شد. این پرسشنامه‌ی ۱۲ گویه‌ای، بر مبنای طیف لیکرت ۷ درجه‌ای نمره گذاری می‌شود و چهار زیرمقیاس پرخاشگری، یعنی: پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت را می‌سنجد. روایی این پرسشنامه نیز از طریق بررسی روایی همگرا و پیش‌بین از طریق انجام آزمایشات چندگانه بررسی و تایید شدند. وبستر و همکاران (۲۰۱۴) برای بررسی پایایی این پرسشنامه، از روش سنتی ضرایب همبستگی بازآزمون و ضرایب همبستگی بازآزمون پنهان استفاده کردند. ضرایب پایایی در روش سنتی برای زیرمقیاس‌های پرسشنامه، ۰/۶۸ تا ۰/۸۰ و برای میانگین کل پرسشنامه، ۰/۸۱ محاسبه شد. برای محاسبه ضریب همبستگی پنهان بازآزمون هم مدل خودارجاع (اتورگرسیو) پایایی بازآزمون متغیرپنهان استفاده شد. مزیت این روش، جدا ساختن خطای اندازه‌گیری از پایایی موقت بود. این مدل‌ها نشان دهنده پایایی قوی و معنی‌دار کلیت پرسشنامه و زیرمقیاس‌های پنهانش بود که برای زیرمقیاس‌های پرسشنامه، ۰/۸۳ تا ۰/۹۰ و برای میانگین کل پرسشنامه، ۰/۸۷ محاسبه شدند. به منظور هنجاریابی این پرسشنامه در ایران، روایی و پایایی آن در نمونه ۳۴۰ نفری بررسی شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه از روش لاواشه، والتز و باسل تأیید شد. تحلیل عاملی اکتشافی، صحت ساختار چهار عاملی پرسشنامه کوتاه پرخاشگری وبستر و همکاران را تأیید کرد. همچنین شاخص‌های برازش در تحلیل عاملی تأییدی رضایت بخش بودند. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده از کل پرسشنامه، ۰/۷۹ و برای زیرمقیاس‌ها به ترتیب، ۰/۸۲، ۰/۷۵، ۰/۷۰، ۰/۷۵ بود که نشان دهنده همسانی درونی کل پرسشنامه و سوالات هر زیرمقیاس است. علاوه بر این، پایایی این مقیاس به وسیله‌ی پایایی ترکیبی نیز تأیید شد.

شیوه اجرا

انجام این پژوهش در دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۱۴۲-۱۴۰۱ روی داد. در این راستا پس از نمونه‌گیری خوشه‌ای و انتخاب تصادفی دانشکده‌ها و کلاس‌ها، انتخاب نمونه‌ها با در نظر گرفتن معیارهای ورود به پژوهش (قرارگیری در بازه سنی ۱۸-۳۰ سال و رضایت برای شرکت در پژوهش)، و توجیه آن‌ها و جلب اعتماد و اطمینان از رضایت آن‌ها در خصوص مشارکت در پژوهش حاضر انجام

² Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)

¹ Brief Aggression Questionnaire (BAQ)

نتایج

اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده‌است. بر اساس این جدول، اکثریت شرکت‌کنندگان در پژوهش، زن (۶۱/۸ درصد)، دانشجوی مقطع کارشناسی (۵۶/۵ درصد) و دارای وضعیت اقتصادی متوسط (۶۷/۱) بودند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان پژوهش

جنسیت	مرد	زن	کارشناسی	مقطع تحصیلی	وضعیت اقتصادی
تعداد	۱۳۰	۲۱۰	۱۹۲	۱۲۶	۲۲۸
درصد	۳۸/۲	۶۱/۸	۵۶/۵	۳۷/۱	۶۷/۱
			دکتری	۲۲	۷۶
			متوسط به پایین	۳۶	۲۲/۴
			متوسط	۶۷/۱	
			متوسط به بالا	۲۲/۴	

دوربین واتسون محاسبه شده (۱/۷۷) در حد مطلوب (بین ۱/۵ تا ۲/۵) واقع شده است. جدول ۲ شاخص‌های توصیفی را نشان می‌دهد. مطابق جدول، چولگی و کشیدگی تمام متغیرها به جز دو زیر مولفه کفایت اجتماعی (مهارت‌های شناختی و مهارت‌های رفتاری) در بازه ± 2 قرار دارد و بهنجار است.

جهت تحلیل داده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که ابتدا پیش‌فرض‌های هم‌خطی چندگانه و استقلال منابع خطا با استفاده از شاخص‌های VIF و Tolerance و آزمون دوربین واتسون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد مقادیر VIF محاسبه شده در همه متغیرها از حد بحرانی (۲) کم‌تر و مقادیر Tolerance در حد مطلوب (نزدیک به یک) است. همچنین، مقدار

جدول ۲. شاخص‌های متغیرهای توصیفی

متغیرها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
پرخاشگری	۸	۶۳	۲۸/۹	۱۰/۰۳	۰/۳۴	۰/۱۹
پرخاشگری فیزیکی	۰	۱۸	۷/۱۳	۴/۵۸	۰/۴۵	-۰/۵۷
پرخاشگری کلامی	۰	۱۷	۶/۳۵	۳/۷۵	۰/۴	-۰/۵۳
خشم	۰	۱۸	۹/۷۹	۳/۴۲	-۰/۲۷	-۰/۱۱
خصومت	۰	۱۷	۵/۶۵	۳/۵۵	۰/۲۴	-۰/۴۲
کفایت اجتماعی	۱۵۷	۳۰۵	۲۴۴/۰۴	۲۸/۹۸	-۰/۳	-۰/۱۹
آمایه‌های انگیزشی و انتظارات	۱۰	۴۹	۳۲/۴۲	۶/۸۴	-۰/۱۳	۰/۲۰
مهارت‌های شناختی	۳	۶۱	۱۶/۱۸	۴/۷۸	۴/۵۸	۴/۵۴
کفایت هیجانی	۳	۲۱	۱۴/۴۷	۳/۷۵	-۰/۶۰	۰/۲۱
مهارت‌های رفتاری	۱۸	۲۴۲	۱۸۰/۵۲	۲۵	-۱/۷۵	۹/۳۶
تنظیم هیجان	۱۵	۶۴	۳۷/۹۸	۸/۹۷	۰/۲	۰/۳۳
بازداری بیانگر	۴	۲۸	۱۳/۳۳	۴/۹۲	۰/۴۸	۰/۰۷
ارزیابی مجدد	۶	۴۸	۲۴/۷۱	۶/۶۸	۰/۳۷	۰/۶۷
اضطراب	۰	۵۳	۱۲/۴۶	۹/۸۲	۱/۲۴	۱/۸۰

پرخاشگری کلامی و خصومت) همبستگی منفی معنی‌داری دارد. اما کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان با زیر مولفه خصومت رابطه معنی‌داری ندارد. تنظیم هیجان هیچ همبستگی معنی‌داری با پرخاشگری و زیر مولفه‌های آن ندارد.

همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۳ مشاهده می‌شود. طبق جدول ۳، کفایت اجتماعی با پرخاشگری و سه زیر مولفه (پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی و خصومت) همبستگی منفی معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارد. اضطراب نیز با اطمینان ۹۹ درصد با پرخاشگری و سه زیر مولفه (پرخاشگری فیزیکی،

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرها

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱ پرخاشگری	۱													
۲ فیزیکی	۰.۷۴**	۱												
۳ کلامی	۰.۷۲**	۰.۳۳**	۱											
۴ خشم	۰.۵۹**	۰.۳۳**	۰.۲۴**	۱										
۵ خصومت	۰.۵۵**	۰.۱۴*	۰.۳۳**	۰.۰۲	۱									
۶ کفایت	-۰.۴۶**	-۰.۲۴**	-۰.۴۵**	۰	-۰.۵۱**	۱								
۷ انگیزشی	-۰.۳۹**	-۰.۱۴*	-۰.۳۸**	-۰.۰۳	-۰.۴۸**	۰.۶۸**	۱							
۸ شناختی	-۰.۱۴**	-۰.۰۶	-۰.۱۷**	۰.۱۷**	-۰.۳۱**	۰.۴۳**	۰.۲۵**	۱						
۹ هیجانی	-۰.۲۱**	-۰.۰۶	-۰.۲۵**	۰.۰۱	-۰.۲۷**	۰.۵۷**	۰.۳۵**	۰.۲۵**	۱					
۱۰ رفتاری	-۰.۳۰**	-۰.۱۵**	-۰.۳۰**	۰.۰۱	-۰.۳۳**	۰.۸۰**	۰.۳۷**	۰.۳۰**	۰.۳۵**	۱				
۱۱ تنظیم هیجان	۰.۰۱	۰.۰۸	۰.۰۴	۰.۰۱	۰.۱۲*	-۰.۰۴	-۰.۱۶**	-۰.۰۸	۰.۱۷**	۰	۱			
۱۲ بازداری	۰.۱۵**	۰.۰۸	۰.۱۴*	-۰.۰۶	۰.۲۳**	-۰.۲۳**	-۰.۳۱**	-۰.۲۱**	-۰.۰۸	-۰.۱۲*	۰.۶۶**	۱		
۱۳ ارزیابی	۰.۰۳	۰.۰۵	-۰.۰۶	۰.۰۷	۰	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۵	۰.۲۸**	۰.۰۹	۰.۸۳**	۰.۱۵**	۱	
۱۴ اضطراب	۰.۴۰**	۰.۲۵**	۰.۴۳**	۰.۰۹	۰.۲۸**	-۰.۳۰**	-۰.۳۹**	-۰.۰۴	-۰.۲۱**	-۰.۱۹**	-۰.۰۵	۰.۱۹**	-۰.۰۸	۱

** معنی‌داری همبستگی در سطح خطای ۰.۰۱

«خصومت» ($p = 0.001$, $F = 20.23$) با تبیین ۲۸ درصد از واریانس (تعدیل شده $R^2 = 0.28$) و «پرخاشگری کلامی» ($p = 0.001$, $F = 16.93$) با تبیین ۲۵ درصد از واریانس (تعدیل شده $R^2 = 0.25$) نشان دادند. در مقابل، قدرت پیش‌بینی این مدل برای «پرخاشگری فیزیکی» ($p = 0.001$, $F = 4.20$)، تعدیل شده $R^2 = 0.06$ و متغیر «خشم» ($p = 0.02$, $F = 2.47$) شده $R^2 = 0.03$ ضعیف‌تر بوده و به ترتیب تنها ۶ و ۳ درصد از واریانس این متغیرها را تبیین می‌کند. به طور کلی، این یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای شناختی، هیجانی و اضطراب در این پژوهش، پیش‌بین‌های بسیار قوی‌تری برای ابعاد شناختی (خصومت) و بیانی (پرخاشگری کلامی) پرخاشگری هستند تا ابعاد فیزیکی و درونی (خشم) آن.

به منظور بررسی نقش ترکیبی متغیرها در پیش‌بینی پرخاشگری، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ دیده می‌شود. مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد که مقدار همبستگی چندگانه برابر با ۰/۵۰ بوده و ۲۴ درصد ($R^2 = 0.24$) تعدیل شده از واریانس نمره کل پرخاشگری به وسیله‌ی اضطراب، زیرمؤلفه‌های کفایت اجتماعی و زیرمؤلفه‌های تنظیم هیجان، تبیین می‌شود ($F = 16.07$, $p \leq 0.01$). نتایج حاکی از آن است که مدل رگرسیون برای پیش‌بینی نمره کل پرخاشگری از نظر آماری معنادار است ($F = 16.07$, $p = 0.001$). مجموعه متغیرهای پیش‌بین قادرند ۲۴ درصد از واریانس کل پرخاشگری را تبیین کنند (تعدیل شده $R^2 = 0.24$). در بررسی ابعاد پرخاشگری، نتایج نشان می‌دهد که مدل‌های رگرسیون برای تمامی زیرمقیاس‌ها معنادار هستند. متغیرهای پیش‌بین بیشترین قدرت تبیین را برای متغیر

جدول ۴. خلاصه تحلیل رگرسیون همزمان نقش ترکیبی اضطراب و ابعاد کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان در پیش‌بینی پرخاشگری و ابعاد آن

متغیر ملاک	R	R^2	تعدیل شده R^2	خطای معیار برآورد	p	F
پرخاشگری	۰/۵۰	۰/۲۵	۰/۲۴	۸/۷۴	۰/۰۰۱	۱۶/۰۷
پرخاشگری فیزیکی	۰/۲۹	۰/۰۸	۰/۰۶	۴/۴۳	۰/۰۰۱	۴/۲۰
پرخاشگری کلامی	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۲۵	۳/۲۴	۰/۰۰۱	۱۶/۹۳
خشم	۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۰۳	۳/۳۶	۰/۰۲	۲/۴۷
خصومت	۰/۵۵	۰/۳۰	۰/۲۸	۳/۰۰	۰/۰۰۱	۲۰/۲۳

وجود مشکل هم‌خطی میان متغیرهای پیش‌بین است. بررسی ضرایب استاندارد شده (β) نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مدل، سه متغیر نقش معناداری در پیش‌بینی پرخاشگری دارند. اضطراب ($p = 0.001$, $\beta = 0.29$, $t = 5.60$)، قوی‌ترین پیش‌بین مثبت و معنادار پرخاشگری است. در مقابل، از میان ابعاد کفایت اجتماعی، زیرمؤلفه آمایه‌های انگیزشی ($\beta = -0.20$, $t = -3.39$, $p = 0.001$) و زیرمؤلفه مهارت‌های رفتاری ($\beta = -$, $t = -2.76$, $p = 0.01$)

جهت تعیین نقش تفکیکی هر یک از زیرمؤلفه‌ها و متغیرها در پیش‌بینی پرخاشگری، ضرایب استاندارد شده و غیراستاندارد محاسبه شد (جدول ۵). جدول ۵ ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مدل رگرسیون چندگانه را برای پیش‌بینی پرخاشگری نشان می‌دهد. پیش از بررسی ضرایب، شاخص‌های هم‌خطی چندگانه بررسی شدند؛ مقادیر تلورانس (تمامی موارد $Tolerance > 0.67$) و عامل تورم واریانس (تمامی موارد $VIF < 1.51$) در محدوده مجاز قرار دارند که نشان‌دهنده عدم

همبستگی نیمه‌تفکیکی نشان می‌دهد که پس از کنترل اثر سایر متغیرها، اضطراب و مؤلفه انگیزشی بیشترین سهم مستقل را در تبیین تغییرات پرخاشگری دارا هستند.

0.15) پیش‌بین‌های منفی و معنادار پرخاشگری محسوب می‌شوند. سایر ابعاد (شناختی، هیجانی، بازداری و ارزیابی) سهم معناداری در پیش‌بینی پرخاشگری نداشتند ($p > 0.05$). همچنین مقادیر

جدول ۵: خلاصه ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون پیش‌بینی پرخاشگری بر اساس اضطراب و ابعاد کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان

مدل	ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد شده	B	خطای معیار	Beta	t	p	همبستگی نیمه‌تفکیکی	VIF	Tolerance
مقدار ثابت	۴۵/۳۵	۴/۷۲	-	-	-	۹/۶۱	۰/۰۰۱	-	-	-
انگیزشی	-۰/۲۹	۰/۰۹	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۳/۳۹	۰/۰۰۱	-۰/۱۶	۱/۵۱	۰/۶۷
شناختی	-۰/۰۷	۰/۱۱	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۶۱	۰/۵۴	-۰/۰۳	۱/۱۹	۰/۸۴
هیجانی	-۰/۱۲	۰/۱۵	-۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۷۸	۰/۴۴	-۰/۰۴	۱/۳۶	۰/۷۴
رفتاری	-۰/۰۶	۰/۰۲	-۰/۱۵	-۰/۱۵	-۰/۱۵	-۲/۷۶	۰/۰۱	-۰/۱۳	۱/۲۹	۰/۷۸
بازداری	-۰/۰۱	۰/۱۱	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۱۲	۰/۹۰	-۰/۰۱	۱/۱۷	۰/۸۵
ارزیابی	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸	۱/۵۳	۰/۱۳	۰/۰۷	۱/۱۳	۰/۸۸
اضطراب	۰/۳۰	۰/۰۵	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۹	۵/۶۰	۰/۰۰۱	۰/۲۷	۱/۲۲	۰/۸۲

استاندارد شده (β) و آماره‌های t نشان می‌دهد که در میان متغیرهای وارد شده به مدل، تنها متغیر اضطراب قادر است به طور مثبت و معناداری پرخاشگری فیزیکی را پیش‌بینی کند ($p=0.001$), $\beta=0.24$, $t=4.06$). به عبارت دیگر، با افزایش سطح اضطراب، میزان پرخاشگری فیزیکی نیز به طور معناداری افزایش می‌یابد. همبستگی نیمه‌تفکیکی برای این متغیر (۰/۲۱) نشان‌دهنده سهم مستقل و منحصر به فرد آن در تبیین واریانس پرخاشگری فیزیکی است. سایر متغیرهای پیش‌بین شامل زیرمؤلفه‌های انگیزشی، شناختی، هیجانی، رفتاری، بازداری و ارزیابی، نقش معناداری در پیش‌بینی پرخاشگری فیزیکی ایفا نمی‌کنند ($p>0.05$).

جهت تعیین نقش تفکیکی هر یک از زیرمؤلفه‌ها و متغیرها در پیش‌بینی بعد پرخاشگری فیزیکی، ضرایب استاندارد شده و غیراستاندارد محاسبه شد (جدول ۶). جدول ۶ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه را برای پیش‌بینی بعد «پرخاشگری فیزیکی» بر اساس متغیرهای اضطراب و زیرمؤلفه‌های کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان نشان می‌دهد. پیش از تفسیر ضرایب، بررسی شاخص‌های هم‌خطی چندگانه حاکی از آن است که مقادیر تحمل (Tolerance) برای تمامی متغیرها بزرگتر از ۰/۶۷ و مقادیر عامل تورم واریانس (VIF) کوچکتر از ۱/۵۱ هستند؛ بنابراین، پیش‌فرض عدم وجود هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین برقرار است. بررسی ضرایب

جدول ۶: خلاصه ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون پیش‌بینی بعد پرخاشگری فیزیکی

متغیر ملاک	مدل	ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد شده	B	خطای معیار	Beta	t	p	همبستگی نیمه‌تفکیکی	VIF	Tolerance
مقدار ثابت	۸/۲۴	۲/۳۹	-	-	-	۳/۴۴	۰/۰۱	-	-	-	-
انگیزشی	-۰/۰۱	۰/۰۴	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۴	۰/۹۷	-۰/۰۱	۱/۵۱	۰/۶۷	۰/۶۷
شناختی	-۰/۰۲	۰/۰۶	-۰/۰۲	-۰/۰۲	-۰/۰۲	-۰/۴۳	۰/۶۷	-۰/۰۲	۱/۱۹	۰/۸۴	۰/۸۴
هیجانی	۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۲۴	۰/۸۱	۰/۰۱	۱/۳۶	۰/۷۴	۰/۷۴
رفتاری	-۰/۰۲	۰/۰۱	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۱/۸۴	۰/۰۷	-۰/۱۰	۱/۲۹	۰/۷۸	۰/۷۸
بازداری	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۸۸	۰/۰۱	۱/۱۷	۰/۸۵	۰/۸۵
ارزیابی	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۱/۲۸	۰/۲۰	۰/۰۷	۱/۱۳	۰/۸۸	۰/۸۸
اضطراب	۰/۱۱	۰/۰۳	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۴/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۲۱	۱/۲۲	۰/۸۲	۰/۸۲

زیرمؤلفه‌های کفایت اجتماعی و تنظیم هیجان) در پیش‌بینی بعد «پرخاشگری کلامی» ارائه می‌دهد. بررسی پیش‌فرض‌های هم‌خطی چندگانه نشان می‌دهد که مقادیر تحمل (Tolerance) برای تمامی متغیرها در بازه ۰/۶۷ تا ۰/۸۸ قرار داشته و مقادیر عامل تورم واریانس

جهت تعیین نقش تفکیکی هر یک از زیرمؤلفه‌ها و متغیرها در پیش‌بینی بعد پرخاشگری کلامی، ضرایب استاندارد شده و غیراستاندارد محاسبه شد (جدول ۷). جدول ۷ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه را برای ارزیابی سهم متغیرهای پیش‌بین (اضطراب و

انگیزشی ($\beta = -0.18$, $t = -3.1$, $p = 0.002$) و رفتاری ($\beta = -0.14$, $t = -2.66$, $p = 0.01$) به صورت منفی و معنادار پرخاشگری کلامی را پیش‌بینی می‌کنند، که نشان می‌دهد ارتقای شایستگی‌های انگیزشی و رفتاری می‌تواند منجر به کاهش پرخاشگری کلامی شود. همبستگی‌های نیمه‌تفکیکی نشان‌دهنده سهم مستقل اضطراب ($0/28$)، بُعد انگیزشی ($-0/15$) و بُعد رفتاری ($-0/13$) در تبیین واریانس متغیر ملاک است. سایر ابعاد (شناختی، هیجانی، بازداری و ارزیابی) سهم معناداری در این مدل نداشتند ($p > 0.05$).

(VIF) نیز بین $1/13$ تا $1/51$ متغیر است. با توجه به این که مقادیر VIF کوچک‌تر از ۱۰ و مقادیر تحمل بزرگتر از $0/1$ هستند، پیش‌فرض عدم وجود هم‌خطی چندگانه رعایت شده است. بررسی ضرایب استاندارد شده (β) و آماره‌های آزمون (t) مشخص می‌کند که سه متغیر اضطراب، بعد انگیزشی و بعد رفتاری نقش معناداری در پیش‌بینی پرخاشگری کلامی دارند. متغیر اضطراب به صورت مثبت و معنادار ($\beta = 0.31$, $t = 5.95$, $p = 0.001$) قادر به پیش‌بینی پرخاشگری کلامی است؛ بدین معنا که افزایش اضطراب با افزایش سطح پرخاشگری کلامی همراه است. از سوی دیگر، زیرمؤلفه‌های

جدول ۷: خلاصه ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون پیش‌بینی بعد پرخاشگری کلامی

متغیر ملاک	مدل	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد شده		t	p	همبستگی نیمه‌تفکیکی	VIF	Tolerance
		B	خطای معیار	Beta						
پرخاشگری کلامی	مقدار ثابت	۱۳/۴۶	۱/۷۵	-		۷/۶۸	۰/۰۰۱	-	-	-
	انگیزشی	-۰/۱۰	۰/۰۳	-۰/۱۸		-۳/۱	۰/۰۰۲	-۰/۱۵	۱/۵۱	۰/۶۷
	شناختی	-۰/۰۴	۰/۰۴	-۰/۰۶		-۱/۱۰	۰/۲۷	-۰/۰۵	۱/۱۹	۰/۸۴
	هیجانی	-۰/۰۵	۰/۰۶	-۰/۰۵		-۰/۹۹	۰/۳۳	-۰/۰۵	۱/۳۶	۰/۷۴
	رفتاری	-۰/۰۲	۰/۰۱	-۰/۱۴		-۲/۶۶	۰/۰۱	-۰/۱۳	۱/۲۹	۰/۷۸
	بازداری	-۰/۰۱	۰/۰۴	-۰/۰۱		-۰/۱۵	۰/۸۸	-۰/۰۱	۱/۱۷	۰/۸۵
	ارزیابی	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۱		۰/۰۳	۰/۹۸	۰/۰۱	۱/۱۳	۰/۸۸
	اضطراب	۰/۱۲	۰/۰۲	۰/۳۱		۵/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۲۸	۱/۲۲	۰/۸۲

چندگانه برقرار است. بررسی ضرایب استاندارد شده (β) و آماره‌های آزمون (t) نشان می‌دهد که در میان متغیرهای وارد شده به مدل، تنها بعد شناختی نقش مثبت و معناداری در پیش‌بینی خشم دارد ($\beta = 0.17$, $t = 2.96$, $p = 0.003$). این یافته حاکی از آن است که افزایش در نمرات بعد شناختی با افزایش سطح خشم همراه است. همبستگی نیمه‌تفکیکی برای این متغیر نشان‌دهنده سهم مستقل $0/16$ در تبیین واریانس متغیر ملاک است. سایر متغیرهای پیش‌بین شامل ابعاد انگیزشی، هیجانی، رفتاری، بازداری، ارزیابی و متغیر اضطراب، سهم معناداری در پیش‌بینی بعد خشم نداشتند ($p > 0.05$).

جهت تعیین نقش تفکیکی هر یک از زیرمؤلفه‌ها و متغیرها در پیش‌بینی بعد خشم، ضرایب استاندارد شده و غیراستاندارد محاسبه شد (جدول ۸). جدول ۸ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه را برای ارزیابی سهم متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی بعد «خشم» از متغیر پرخاشگری ارائه می‌دهد. بررسی پیش‌فرض هم‌خطی چندگانه نشان می‌دهد که مقادیر تحمل (Tolerance) برای تمامی متغیرها در بازه $0/67$ تا $0/88$ قرار دارد و مقادیر عامل تورم واریانس (VIF) نیز بین $1/13$ تا $1/51$ متغیر است. از آن جا که مقادیر VIF کوچکتر از ۱۰ و مقادیر تحمل بزرگتر از $0/1$ هستند، پیش‌فرض عدم وجود هم‌خطی

جدول ۸: خلاصه ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون پیش‌بینی بعد خشم

متغیر ملاک	مدل	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد شده		t	p	همبستگی نیمه‌تفکیکی	VIF	Tolerance
		B	خطای معیار	Beta						
خشم	مقدار ثابت	۸/۳۷	۱/۸۲	-	۴/۶۱	۰/۰۰۱	-	-	-	-
	انگیزشی	-۰/۰۲	۰/۰۳	-۰/۰۵	-۰/۷۱	۰/۴۸	-۰/۰۴	۱/۵۱	۰/۶۷	
	شناختی	۰/۱۲	۰/۰۴	۰/۱۷	۲/۹۶	۰/۰۰۳	۰/۱۶	۱/۱۹	۰/۸۴	
	هیجانی	-۰/۰۲	۰/۰۶	-۰/۰۲	-۰/۳۶	۰/۷۲	-۰/۰۲	۱/۳۶	۰/۷۴	
	رفتاری	-۰/۰۱	۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۲۶	۰/۷۹	-۰/۰۱	۱/۲۹	۰/۷۸	
	بازداری	-۰/۰۵	۰/۰۴	-۰/۰۷	-۱/۲۸	۰/۲۰	-۰/۰۷	۱/۱۷	۰/۸۵	
	ارزیابی	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۹	۱/۶۰	۰/۱۱	۰/۰۹	۱/۱۳	۰/۸۸	
	اضطراب	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۹	۱/۵۶	۰/۱۲	۰/۰۸	۱/۲۲	۰/۸۲	

منفی و معنادار خصوصیت است ($\beta = -5.70$, $t = -5.70$, $p = 0.001$) و به تنهایی بیشترین سهم مستقل را در تبیین واریانس دارد (0.032). همبستگی نیمه-تفکیکی ($r = -0.29$). پس از آن، ابعاد شناختی ($\beta = -0.17$, $t = -3.31$, $p = 0.001$) و رفتاری ($\beta = -0.11$, $t = -2.12$, $p = 0.04$) نیز به طور معنادار و معکوس بعد خصوصیت را پیش‌بینی می‌کنند. از سوی دیگر، متغیر اضطراب دارای نقش پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار برای خصوصیت است ($\beta = 0.11$, $t = 2.13$). این یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش اضطراب، میزان خصوصیت افزایش می‌یابد؛ در حالی که ارتقای ابعاد انگیزشی، شناختی و رفتاری با کاهش سطح خصوصیت همراه است. سایر متغیرها شامل ابعاد هیجانی، بازداری و ارزیابی سهم معناداری در این مدل نداشتند ($p > 0.05$).

جهت تعیین نقش تفکیکی هر یک از زیرمولفه‌ها و متغیرها در پیش‌بینی بعد خصوصیت، ضرایب استاندارد شده و غیراستاندارد محاسبه شد (جدول ۹). جدول ۹ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه را برای ارزیابی سهم متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی بعد «خصوصیت» از متغیر پرخاشگری نشان می‌دهد. بررسی شاخص‌های هم‌خطی چندگانه حاکی از آن است که مقادیر تحمل (Tolerance) برای تمامی متغیرها در بازه ۰/۶۷ تا ۰/۸۸ و مقادیر عامل تورم واریانس (VIF) نیز بین ۱/۱۳ تا ۱/۵۱ قرار دارند. با توجه به این که مقادیر VIF کوچکتر از ۱۰ و مقادیر تحمل بزرگتر از ۰/۱ هستند، فرض عدم وجود هم‌خطی چندگانه تایید می‌شود. بررسی ضرایب استاندارد شده (β) و آماره‌های آزمون (t) نشان می‌دهد که چهار متغیر در این مدل اثر معناداری بر خصوصیت دارند. بعد انگیزشی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده

جدول ۹: خلاصه ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون پیش‌بینی بعد خصوصیت

متغیر ملاک	مدل	ضریب استاندارد نشده			ضریب استاندارد شده			p	t	همبستگی نیمه-تفکیکی	VIF	Tolerance
		B	خطای معیار	Beta								
مقدار ثابت		۱۵/۲۷	۱/۶۲	-	۹/۴۴	۰/۰۱	-					
انگیزشی		-۰/۱۷	۰/۰۳	-۰/۳۲	-۵/۷۰	۰/۰۱	-۰/۲۶				۱/۵۱	۰/۶۷
شناختی		-۰/۱۲	۰/۰۴	-۰/۱۷	-۳/۳۱	۰/۰۱	-۰/۱۵				۱/۱۹	۰/۸۴
هیجانی		-۰/۰۶	۰/۰۵	-۰/۰۶	-۱/۱۵	۰/۲۵	-۰/۰۵				۱/۳۶	۰/۷۴
رفتاری		-۰/۰۲	۰/۰۱	-۰/۱۱	-۲/۱۲	۰/۰۴	-۰/۱۰				۱/۲۹	۰/۷۸
بازداری		۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۹۷	۰/۳۳	۰/۰۴				۱/۱۷	۰/۸۵
ارزیابی		۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۷۵	۰/۴۶	۰/۰۳				۱/۱۳	۰/۸۸
اضطراب		۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۱۱	۲/۱۳	۰/۰۳	۰/۱۰				۱/۲۲	۰/۸۲

بحث

پژوهش‌ها نشان داد که مولفه‌ی عوامل انگیزشی و انتظارات رابطه‌ی منفی معنی‌داری با پرخاشگری دارد. پژوهش‌های پیشین، به بررسی رابطه‌ی کلی این مولفه با پرخاشگری نپرداخته‌اند. اما رابطه و حتی تاثیر زیرمقیاس‌های این مولفه بر پرخاشگری، جداگانه بررسی شده است که یافته‌های به دست آمده با نتایج این پژوهش همسو هستند (بنسون، ۲۰۰۱؛ بنیش-وایسمن، ۲۰۱۵؛ بنیش-وایسمن و همکاران، ۲۰۱۷). مهارت‌های انگیزشی شامل ساختار ارزشی فرد، سطح رشد اخلاقی، احساس اثربخشی و منزلت شخص و احساس خودکارآمدی است (جلیل‌آبکنار و همکاران، ۲۰۱۲). مفهوم ضمنی بعد انگیزشی یعنی فرد توانایی حل مسئله برای برگزیدن رفتارهای معین و ظرفیت برگزیدن رفتارهای برگزیده را دارد، و می‌تواند برانگیختگی هیجانی را نظم ببخشد. ولی اگر اعمال مزبور خوشایند به نظر نرسد و یا چنین تلقی شود که به نتایج ارزشمند نمی‌انجامد، فرد درانجام آن‌ها با شکست مواجه می‌گردد (افروز و همکاران، ۲۰۱۳).

یکی از حیطه‌های عوامل انگیزشی و انتظارات، ساختار ارزشی فرد است. در این حوزه عواملی مانند انگیزش برای پیشرفت تحصیلی،

پرخاشگری مفهومی چندوجهی است (اندرسون و بوشمن، ۲۰۰۲؛ کاشانی و همکاران، ۱۹۹۱)، پس در تبیین پرخاشگری باید به نقش عوامل مختلف توجه کرد. هدف از مطالعه حاضر، بررسی نقش کفایت اجتماعی، تنظیم هیجان و اضطراب در پیش‌بینی پرخاشگری در نمونه غیربالینی بود. نتایج این پژوهش نشان داد که کفایت اجتماعی، تنظیم هیجان و اضطراب در پیش‌بینی پرخاشگری نقش دارند و به صورت ترکیبی می‌توانند پرخاشگری را پیش‌بینی کنند، همچنین اضطراب، زیر مولفه‌های «آمایه‌های انگیزشی و انتظارات» و «مهارت‌های رفتاری» کفایت اجتماعی، قادرند بخشی از واریانس پرخاشگری را به طور معنی‌داری پیش‌بینی و تبیین کنند.

هرچند پژوهشی که نقش این سه متغیر در پیش‌بینی پرخاشگری را همزمان مدنظر قرار دهد، وجود نداشت، اما پژوهش‌های موجود نشان داده‌اند که رابطه‌ی پیچیده‌ای بین کفایت اجتماعی (لیو و همکاران، ۲۰۱۷؛ مالتی، ۲۰۰۶)، تنظیم هیجان (آلدائو و همکاران، ۲۰۱۰؛ کواسچو و همکاران، ۲۰۱۶) و اضطراب (پوپوا و همکاران، ۲۰۱۷؛ نومان و همکاران، ۲۰۰۹) با پرخاشگری وجود دارد. نتایج

پایین، از رویارویی با موقعیت‌های اجتماعی اجتناب کرده و یا نمی‌توانند در تعاملات اجتماعی به صورت مؤثر رفتار نمایند. در نتیجه برای پاسخگویی به موقعیت‌های تعاملی به پاسخ‌های مناسب کمتری دسترسی دارند و بیشتر از رفتارهای پرخاشگرانه استفاده می‌کنند. در مدل فلنر چنین استدلال می‌شود که فرد باید احساس بسنده‌ای از خودکارآمدی و کنترل درونی داشته باشد تا برای رفتارهای دلخواه و مطلوب تلاش کند. حجم گسترده‌ای از ادبیات مربوط به نقش خودکارآمدی و احساس تسلط در شکل‌دهی رفتار و اقدامات انطباقی حکایت از آن دارد که نارسایی در احساس شخصی از توانایی برای انجام اعمال مهم برای رفتار باکفایت از لحاظ اجتماعی، می‌تواند باعث بروز مشکلات رفتاری مختلف از جمله پرخاشگری شود (آبکنار و همکاران، ۲۰۱۲).

در گام بعدی، نتایج پژوهش حاکی از این بود که مولفه‌ی مهارت‌های رفتاری رابطه‌ی منفی معنی‌داری با پرخاشگری دارد. پژوهش‌های پیشین به بررسی رابطه‌ی کلی این مولفه با پرخاشگری نپرداخته‌اند. اما رابطه و تاثیر زیرمقیاس‌های آن بر پرخاشگری جداگانه بررسی شدند که یافته‌های به دست آمده با نتایج این پژوهش همسو هستند (دهنوی و ابراهیمی، ۲۰۱۶؛ سارتینا و همکاران، ۲۰۲۰؛ شیخ پور و همکاران، ۲۰۲۰). مهارت‌های رفتاری شامل مذاکره، ایفای نقش، ابراز وجود، مهارت‌های محاوره‌ای برای شروع و تداوم تعاملات اجتماعی و یادگیری رفتار دوستانه با دیگران است (فلنر و فیلیپس، ۱۹۹۰). افراد دارای رفتارهای پرخاشگرانه، مهارت‌های رفتاری موردنیاز برای ارائه پاسخ‌های مناسب به مسائل را ندارند (فری و همکاران، ۲۰۰۰)، در موقعیت‌های اجتماعی مبهم، مقاصد دیگران را خصوصاً تمیز استنباط می‌کنند، به نشانه‌های اجتماعی مربوطه در تعاملات اجتماعی خویش حساس نیستند و در مقایسه با همسالان غیرپرخاشگرشان پاسخ‌های ناشایسته‌تر و پرخاشگرانه‌تری به موقعیت‌های اجتماعی می‌دهند (داج و شوارتز، ۱۹۹۷). دلیل رفتار پرخاشگرانه، ضعف شخص در یادگیری راه‌های پذیرفته‌شده برای مواجهه با توقعات در روابط بین فردی است (حاجتی و همکاران، ۲۰۰۸).

از طرفی، داج و شوارتز (۱۹۹۷) بر اساس الگوی پردازش اطلاعات اجتماعی، معتقدند که نقص در فرآیند پردازش اطلاعات اجتماعی افراد پرخاشگر نسبت به افراد غیرپرخاشگر، معمولاً موجب پردازش متفاوت اطلاعات گرفته‌شده از محیط اجتماعی خودشان می‌شود که این باعث بروز رفتارهای پرخاشگرانه است؛ بنابراین، افراد دارای رفتارهای پرخاشگرانه اغلب به دلیل ضعف مهارت‌های رفتاری، اسناد و رفتارهای خصمانه و کنترل ضعیف، نمی‌توانند در ایجاد و حفظ رابطه‌ی دوستانه و تعامل با همسالان در موقعیت‌های اجتماعی، مؤثر عمل کنند و اغلب با اعمال رفتارهای پرخاشگرانه به جای استفاده از

موفقیت در روابط و دستیابی به اهداف شغلی ارزشمند اجتماعی، اثرات چشمگیری بر رفتار دارند. منظور از ساختار ارزشی، مجموعه‌ای از ارزش‌های افراد است که بر ادراکات، انگیزش‌ها و رفتارهای آنان تاثیر می‌گذارد (پلین و همکاران، ۲۰۲۲). ارزش‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارها، مخصوصاً پرخاشگری دارد. پژوهش‌های متعددی رابطه بین ارزش‌ها و پرخاشگری را بررسی کرده‌اند و رابطه مثبتی بین پرخاشگری و ارزش‌های خودارتقای و گشودگی در برابر تغییر یافته شده است. در حالی که رابطه‌ای منفی بین پرخاشگری و ارزش‌های خود تعالی‌بخشی و نگهداری و حفاظت در پژوهش‌های پیشین دیده شده است (بنیش-وایسمن، ۲۰۱۵؛ بنیش-وایسمن و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین در بررسی سیستم‌های ارزشی بین مردان و زنان، سیستم ارزشی مردان به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده مهم در پرخاشگری مردان مخصوصاً در موقعیت اکتساب و دفاع و تایید هویت مردانه شناخته شده است (بنسون، ۲۰۰۱).

یکی از نکات مطرح شده در راستای تبیین نحوه اثر ارزش‌ها بر شکل‌دهی رفتارهایی مانند پرخاشگری این است که ارزش‌ها به عنوان طرح‌هایی شناختی، سازنده‌ی نحوه درک و تفسیر جهان در فرد هستند (ورپلانکن و هولند، ۲۰۰۲). ارزش‌ها توجه فرد را جهت داده و ادراک فرد از محیط اجتماعی‌اش را مخصوصاً در نوجوانی هدایت می‌کنند و منجر به ارتکاب رفتارهایی معین می‌شوند. برای مثال مطابق با بنیش-وایسمن (۲۰۱۵)، ارزش‌های خودارتقای ممکن است توجه فرد را به علائم پرخاشگرانه‌ی خاص جذب کرده یا آن‌ها را به سمت یک تفسیر خصوصاً تمیز هدایت کنند. این گونه روابط و تاثیرپذیری‌ها در رده‌های نوجوانی و جوانی بیشتر به چشم می‌خورد و نوجوانانی که بر این گونه ارزش‌ها صحه می‌گذارند، ممکن است پرخاشگری بیشتری نسبت به همسالان خود داشته باشند. مطابق با بنیش-وایسمن (۲۰۱۷) ارزش‌ها به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم با رفتار پرخاشگرانه مرتبط هستند. وقتی ارزش‌ها تاثیر مستقیم بر پرخاشگری می‌گذارند، مرتبط بودن یک رفتار نسبت به یک رفتار دیگر را در قالب یک موقعیت معین برای فرد برجسته می‌سازند. تاثیر غیرمستقیم نیز به توانایی ارزش‌ها در کمک به سازماندهی و ایجاد ادراکات فرد در مورد جهان خود اشاره دارد. مهارت‌های رفتاری عنصر دوم مدل چهاربعدی هستند. موقعی که شخص برای رسیدن به یک نتیجه دلخواه، رفتاری را برمی‌گزیند، باید آن رفتار در دسترس فرد باشد. یعنی، رفتاری که فرد هم از آن اطلاع دارد و هم کاملاً مهارت‌های لازم برای ابراز آن رفتار را فرا گرفته است.

حیطه‌ی دیگر در مولفه‌ی عوامل انگیزشی و انتظارات، خودکارآمدی است. خودکارآمدی می‌تواند فعالیت‌های خودمراقبتی، سازگاری با چالش‌ها، رضایت از زندگی و کیفیت زندگی را بهبود بخشد. دونک و لگت (۱۹۸۸) معتقدند افراد با خودکارآمدی ادراک‌شده

موقعیت‌های ترسناک منطقی به نظر می‌رسد، اما یافته‌های ندرلوف و همکاران (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که گاهی پاسخ پرخاشگرانه دفاعی، ممکن است مناسب باشد.

بنابراین اضطراب می‌تواند در نقش فعال‌ساز پرخاشگری باشد. از طرفی اضطراب در خدمت طیفی از کارکردهای سازشی مانند توجه به تهدید، ارزیابی ابهام و تصمیم‌گیری ریسک‌پرهیز است که در کمک به افراد در مواجهه با تهدیدهای روانی، اجتماعی و فیزیکی مکرر طراحی شده است (مانر، ۲۰۰۹). همچنین اضطراب از طریق محدودسازی و هدایت توجه و ترس با عملکردهای شناختی مرتبط است (آکچای، ۲۰۲۲)، و افراد مضطرب به صورت انتخابی خودشان را در معرض اطلاعات تهدیدآمیز قرار می‌دهند و رویدادهای مبهم را تهدیدآمیز ارزیابی می‌کنند (متیوس، ۱۹۹۰). ابهام و رویدادهای مبهم و غیرقابل پیش‌بینی نیز می‌توانند منجر به پرخاشگری شوند (پرس، ۲۰۰۷).

همچنین مطابق با نظر گری (۱۹۸۲)، منشا اضطراب را می‌توان فعالیت سیستم بازداری رفتاری دانست. اگرچه این سیستم مستقیماً با پرخاشگری مرتبط نیست، اما می‌تواند از طریق تعامل با سیستم فعال‌ساز رفتاری که با پرخاشگری فیزیکی و خشم مرتبط است، بر پرخاشگری تأثیر بگذارد (هارمون-جونز، ۲۰۰۳). تعامل این دو سیستم، می‌تواند منجر به ایجاد رفتارهای اجتماعی و ضداجتماعی شود که به‌طور بالقوه به پرخاشگری کمک می‌کند (گلدشتاین و همکاران، ۱۹۷۵)، و می‌تواند در کنار عوامل دیگر نسبت بسزایی از واریانس پرخاشگری را پیش‌بینی کند (ون کلانی و ورنر، ۲۰۰۵).

نتایج این پژوهش به دانشجویان شهر تبریز محدود می‌شود. بنابراین بهتر است پژوهش‌های دیگری در شهرهای دیگر انجام گیرد. محدودیت دیگر پژوهش حاضر به دلیل همبستگی بودن طرح پژوهش، قطعی نبودن استنباط علی از روابط بین متغیرهاست. با توجه به تغییر پذیری نسبی کفایت اجتماعی، تنظیم هیجان و اضطراب، شاید بتوان برای افراد حاضر در نمونه، مهارت‌های ارتقای کفایت اجتماعی و مهارت‌های تنظیم هیجان و کنترل اضطراب را آموزش داد، و از طریق بررسی تأثیر مداخله بر کاهش پرخاشگری آن‌ها، به روابط علی مطمئن‌تری دست یافت. همچنین باید در تعمیم یافته‌ها به‌خصوص به جوامع بالینی احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود، در آینده، این پژوهش در جمعیت بالینی نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین برای بررسی هر چه بهتر روابط بین این متغیرها، می‌توان پیشنهاد انجام تحقیقی با روش تحلیل مسیر یا مدل‌یابی معادلات ساختاری را مطرح کرد.

مهارت‌های متقاعدسازی به شیوه اجتماع‌پسند، به موقعیت‌های تعارض‌آمیز، از سوی همسالان‌شان طرد می‌شوند که به‌عنوان تجربه‌ای فشارزا منجر به تشدید پرخاشگری در این افراد می‌گردد (داج و همکاران، ۲۰۰۹). به‌طوری‌که از بین عوامل مرتبط با پرخاشگری، طرد شدن از سوی همسالان قوی‌ترین همبستگی را با رفتارهای پرخاشگرانه دارد (کارپنتر، ۲۰۰۲). دونک و لگت (۱۹۸۸) معتقدند افرادی که مهارت‌های رفتاری کم‌تری دارند، از رویارویی با موقعیت‌های اجتماعی اجتناب کرده و یا نمی‌توانند در تعاملات اجتماعی به‌صورت مؤثر رفتار نمایند. این افراد برای پاسخگویی به موقعیت‌های تعاملی به پاسخ‌های مناسب کم‌تری دسترسی دارند و بیشتر از رفتارهای اجتنابی و یا رفتارهای پرخاشگرانه استفاده می‌کنند. یکی دیگر از مهارت‌های رفتاری مرتبط با پرخاشگری، مهارت‌های تمرین جرات‌ورزی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مهارت‌های جرات‌ورزی، با کاهش پرخاشگری رابطه دارند و برنامه‌های تمرین جرات‌ورزی، می‌توانند به صورت مؤثر رفتارهای پرخاشگرانه را مانند پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت در جوامع مختلف همچون پرستاران، دانش‌آموزان دبیرستانی و دانش‌آموزان دچار ناتوانی‌های ذهنی خفیف، کاهش دهند (دهنوی و ابراهیمی، ۲۰۱۶؛ سارتینا و همکاران، ۲۰۲۰؛ شیخ پور و همکاران، ۲۰۲۰). مطابق با شیخ پور و همکاران (۲۰۲۰) و دهنوی و ابراهیمی (۲۰۱۶)، برنامه‌های تمرین جرات‌ورزی موجب افزایش جرات‌ورزی سازگاران و کاهش جرات‌ورزی پرخاشگرانه می‌شوند. تمرین جرات‌ورزی به افراد کمک می‌کند تا احساسات، نگرش‌ها، تمایلات، اندیشه‌ها و حقوقشان را مستقیم و صادقانه ابراز کنند و همزمان به احساسات و حقوق دیگران احترام بگذارند. این کار در نهایت به شکل‌گیری ارتباط بهتر در روابط فردی و حرفه‌ای کمک کرده و موجب پرورش، تحول و رشد عزت نفس می‌شود. و در نهایت به افراد در مواجهه کارآمد و موثر با استرس کمک می‌کند.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که رابطه اضطراب با پرخاشگری به صورت مثبت معنی‌دار است. این یافته با پژوهش‌های نومان و همکاران (۲۰۰۹)، پوپوا و همکاران (۲۰۱۷)، وینما و همکاران (۲۰۰۷) و چونگ و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود. این فرض مطرح است که آشفتگی هیجانی، مخصوصاً حالات خلقی همچون اضطراب می‌تواند به عنوان شکلی از راهبرد دفاعی، در فعال‌سازی پرخاشگری محسوب شوند (ندرلوف و همکاران، ۲۰۱۴). اضطراب تأثیر بسیاری بر فعال‌سازی پرخاشگری دارد که از فرضیه جنگ و ستیز کانن^۱ پشتیبانی می‌کند. این یافته نسبتاً جدید است، و این فرض را که اضطراب همیشه با رفتار اجتنابی همراه است، زیر سوال می‌برد. اگرچه فرار کردن از

^۱ Canon's fight-flight hypothesis

قدردانی: از تمام دانشجویان عزیز و اساتید گروه روانشناسی دانشگاه تبریز که ما را در انجام این پژوهش صادقانه یاری دادند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض منافع: برحسب مدارک، در این مقاله هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

حامی مالی: این مقاله حامی مالی ندارد.

Reference

- Afroz, G., Ghasemzadeh, S., Taziki, T., & Delgoshad, A. (2014). Effectiveness of mood regulation skills training on self concept and social competence of students with learning disabilities. *Learning Disabilities*, 3(3), 3. [In Persian]
- Akçay, N. S. G., Bükün, M. F., & Köse, Ö. (2022). An overview of the functional and dysfunctional aspects of anxiety and fear. *Bingöl Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, 24, 653–666.
- Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., & Schweizer, S. (2010). Emotion-regulation strategies across psychotherapy: A meta-analytic review. *Clinical Psychology Review*, 30(2), 217–237. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2009.11.004>
- Allen, J. J., & Anderson, C. A. (2017). Aggression and Violence: Definitions and Distinctions. *The Wiley Handbook of Violence and Aggression*, P. Sturmey (Ed.), 1–14. <https://doi.org/10.1002/9781119057574.whbva001>
- Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2002). Human aggression. *Annual Review of Psychology*, 53, 27–51. <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.53.100901.135231>
- Atkinson, L. R., Atkinson, C. R., Smith, E. E., Bem, J. D., & Nolen-Hoeksema, S. (2016). *Introduction to Psychology* (M. N. Barahani, Trans.). Roshd publications. [In Persian]
- Babakhani, N. (2011). The effects of social skills training on self-esteem and aggression male adolescents. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 1565–1570. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2011.10.304>
- Beck, A. T. (1991). Cognitive therapy: A 30-year retrospective. *American Psychologist*, 46(4), 368–375. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.46.4.368>
- Beck, A. T., & Epstein, N. (1993). An inventory for measuring clinical anxiety: Psychometric properties. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56(6), 893–897. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.56.6.893>
- Beck, A. T., Epstein, N., Brown, G., & Steer, R. A. (1988). An inventory for measuring clinical anxiety: Psychometric properties. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56(6), 893–897. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.56.6.893>
- Benish-Weisman, M. (2015). The interplay between values and aggression in adolescence: A longitudinal study. *Developmental Psychology*, 51(5), 677–687. <https://doi.org/10.1037/a0038957>
- Benish-Weisman, M., Daniel, E., & Knafo-Noam, A. (2017). The relations between values and aggression: A developmental perspective. In P. Schwartz, S. Luyckx, & V. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 97–114). Springer. <https://doi.org/10.1007/978-1-4939-3514-65>
- Benson, D. (2001). *Male Values and Male Violence*. Thesis (Ph. D.), University of Central Lancashire.
- Bound, F. (2004). Anxiety. *The Lancet*, 363 (9418), 1407. [https://doi.org/10.1016/s0140-6736\(04\)16077-7](https://doi.org/10.1016/s0140-6736(04)16077-7)
- Bushman, B. J., & Huesmann, L. R. (2010). Aggression. In S. T. Fiske, D. T. Gilbert, & G. Lindzey (Eds.), *Handbook of social psychology* (5th ed., Vol. 2, pp. 833–863). Wiley. <https://doi.org/10.1002/9780470561119.socpsy002023>
- Carengie council on Adolescent Development, (1989). *Turning Points: Preparing American Youth for the 21st Century*. Carnegie Corporation of New York.
- Carpenter, E.M. (2002). *A curriculum based approach for socialcognitive skills training. An intervention targeting aggression in heat start preschoolers*. Unpublished Phd thesis. The University of Maine, U. S. A.
- Castro, B., Brendgen, M., Boxtel, H., Vitaro, F., & Schaeppers, L. (2007). “Accept me, or else...”: Disputed overestimation of social competence predicts increases in proactive aggression. *Journal of Abnormal Child Psychology*,

- 35(2), 165–178.
<https://doi.org/10.1007/s10802-006-9063-6>
- Chung, J., Song, G., Kim, K., Yee, J., Kim, J., Lee, K., & Gwak, H. (2019). Association between anxiety and aggression in adolescents: a cross-sectional study. *BMC Pediatrics*, 19(1).
<https://doi.org/10.1186/s12887-019-1479-6>
- Cohn, A. M., Jakupcak, M., Seibert, L. A., Hildebrandt, T. B., & Zeichner, A. (2010). The role of emotion dysregulation in the association between men's restrictive emotionality and use of physical aggression. *Psychology of Men & Masculinity*, 11(1), 53–64. <https://doi.org/10.1037/a0018090>
- Cornell, D. G., Peterson, C. S., & Richards, H. (1999). Anger as a predictor of aggression among incarcerated adolescents. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 67(1), 108–115. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.67.1.108>
- Dehnavi, F., & Ebrahimi, M. I. (2016). Effect of assertiveness skills training on the level of aggression in high school first grade female students in Qorveh City. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*, 3(2), 1421–1434.
- DeWall, C. N., Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2012). Aggression. In H. Tennen, J. Suls, & I. B. Weiner (Eds.), *Handbook of psychology* (2nd ed., Vol. 5, pp. 449–466). Wiley.
<https://doi.org/10.1002/0471264385.wei0518>
- Dodge, K. A. & Schwartz, D. (1997). Social information processing mechanisms in aggressive behavior. In D. Stoff, J. Breiling & J. Maser (Eds.), *Handbook of antisocial behavior*, John Wiley & Sons, Inc. 171–180.
- Dodge, K. A., Lansford, J. E., Burks, V. S., Bates, J. E., Pettit, G. S., Fontaine, R., & Price, J. M. (2003). Peer rejection and social information-processing factors in the development of aggressive behavior problems in children. *Child Development*, 74(2), 374–393.
<https://doi.org/10.1111/1467-8624.7402004>
- Donahue, J. J., Goranson, A. C., Goranson, K. M., & Van Male, L. M. (2014). Emotion dysregulation, negative affect, and aggression: A moderated, multiple mediator analysis. *Personality and Individual Differences*, 70, 23–28.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2014.06.009>
- Doyle, M., & Dolan, M. (2006). Evaluating the validity of anger regulation problems, interpersonal style, and disturbed mental state for predicting inpatient violence. *Behavioral Sciences & the Law*, 24(6), 783–798.
<https://doi.org/10.1002/bsl.725>
- Dweck, C. S., & Leggett, E. L. (1988). A social-cognitive approach to motivation and personality. *Psychological Review*, 95(2), 256–273. <https://doi.org/10.1037/0033-295X.95.2.256>
- Eckhardt, C. I., Jamison, T. R., & Watts, K. (2002). Anger experience and expression among male dating violence perpetrators during anger arousal. *Journal of Interpersonal Violence*, 17(10), 1102–1114.
<https://doi.org/10.1177/088626002236662>
- Esmaili, M., Imanifar, H., Saberian, M., Shafiei, F. (2022). The Effectiveness of Book the rRapy on Internalized (Anxiety) and Externalized (Aggressive) Behavioral Problems of Male Students in the Second Year of Elementary School in Benaroyeh Region of Larestan. *Biannual Journal of Contemporary Psychology*, 16.1. 83-95. [In Persian]
- Felner, R. D., Lease, A. M., & Phillips, R. S. C. (1990). Social competence and the language of adequacy as a subject matter for psychology: a quadripartite tri-level framework. In T. P. Gullotta, G. R. Adams, & R. Montemayor (Eds.), *The development of social competence in adolescence* (pp. 245–264). Beverly Hills, CA: Sage.
- Garnefski, N., Koopman, H., Kraaij, V., & ten Cate, R. (2009). Brief report: Cognitive emotion regulation strategies and psychological adjustment in adolescents with a chronic disease. *Journal of Adolescence*, 32(2), 449–454.
<https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2008.01.003>
- Garnefski, N., Teerds, J., Kraaij, V., Legerstee, J., & van den Kommer, T. (2004). Cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: Differences between males and females. *Personality and Individual Differences*, 36(2), 267–276.
[https://doi.org/10.1016/S0191-8869\(03\)00083-7](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(03)00083-7)
- Geen, R. G. (2001). *Human aggression* (2nd ed.). Oxford: Taylor & Francis.
- Gendreau, P. L., & Archer, J. (2005). Subtypes of aggression in humans and animals. In R. E. Tremblay, W. W. Hartup, & J. Archer (Eds.), *Developmental origins of aggression* (pp. 178–201). Guilford Press.

- Goldstein, J. H., Davis, R. W., & Herman, D. (1975). Escalation of aggression: Experimental studies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 31(1), 162–170. <https://doi.org/10.1037/h0076246>
- Golparvar, M., Vaseghi, Z., Mosahebi, M., Javadian, Z. (2013). The functions of interpersonal conflict and conflict management in the possible connection between stress, exhaustion and aggression, *Biannual Journal of Contemporary Psychology*, 7(2), 61-72. [In Persian]
- Granic, I. (2014). The role of anxiety in the development, maintenance, and treatment of childhood aggression. *Development and Psychopathology*, 26(4pt1), 1515–1530. <https://doi.org/10.1017/S095457941400117X>
- Gray, J. A. (1982). Précis of *The neuropsychology of anxiety: An enquiry into the functions of the septo-hippocampal system*. *Behavioral and Brain Sciences*, 5(3), 469–534. <https://doi.org/10.1017/S0140525X00013066>
- Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: Implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85(2), 348–362. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.85.2.348>
- Gross, J. J., & Thompson, R. A. (2007). Emotion regulation: Conceptual foundations. In J. J. Gross (Ed.), *Handbook of emotion regulation*. New York: Guilford Press, 3-24.
- Hajati, F. S., Akbarzadeh, N., & Khosravi, Z. (2008). Effectiveness of mixed program of cognitive-behavioral therapy practice and learning. *Psychological Studies*, 4(3), 35–56, [In Persian]
- Hamama, L., & Ronen-Shenhav, A. (2012). Self-control, social support, and aggression among adolescents in divorced and two-parent families. *Children and Youth Services Review*, 34(6), 1042–1049. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2012.02.009>
- Harmon-Jones, E. (2003). Anger and the behavioral approach system. *Personality and Individual Differences*, 35(5), 995–1005. [https://doi.org/10.1016/S0191-8869\(02\)00313-6](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(02)00313-6)
- Jalilabkenar, S. S., Ashoori, M., & Pourmohamadreza Tajrishi, M. (2013). The Effectiveness of Social Competence Instruction on the adaptation Behavior in male students with intellectual disability. *Habilitation Special Issue "Pediatric Neurohabilitation,"* 13(5), 55. <https://www.sid.ir/paper/43258/fa#downloadbottom>. [In Persian]
- Kaldybay, K. K., Pazylova, K.A., & Yassawe, H.A. (2017). Sociopsychological analysis of the concept of aggression. *Reports of the national academy of sciences of the republic of Kazakhstan*, 4,(314): 14 – 20.
- Kashani, J. H., Deuser, W. E., & Reid, J. C. (1991). Aggression and Anxiety: A new look at an old notion. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 30(2), 218–223. <https://doi.org/10.1097/00004583-199103000-00009>
- Kaviani, H., & Mousavi, A. S. (2008). Psychometric properties of the Persian version of Beck Anxiety Inventory (BAI). *Tehran University Medical Journal*, 65(2), 136–140. [In Persian]
- Kendall, P. C., & Braswell, L. (1993). *Cognitive-Behavioral Therapy for Impulsive Children*, Second Edition. United Kingdom: Guilford Publications.
- Kováčsová, N., Lajunen, T., & Rošková, E. (2016). Aggression on the road: Relationships between dysfunctional impulsivity, forgiveness, negative emotions, and aggressive driving. *Transportation Research Part F: Traffic Psychology and Behaviour*, 42, 286–298. <https://doi.org/10.1016/j.trf.2016.07.013>
- Kuhn, M. A., Ahles, J. J., Aldrich, J. T., Wielgus, M. D., & Mezulis, A. H. (2018). Physiological self-regulation buffers the relationship between impulsivity and externalizing behaviors among nonclinical adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 47(4), 829–841. <https://doi.org/10.1007/s10964-017-0735-1>
- Lyu, B., Li, J., Huang, W., Liao, X., Qilin, J., & Dong, W. (2017). Relationship Among Children's Social-emotional Competence, Social Support, Academic Achievement and Aggressive Behavior in the Primary School in China. *Journal of Education and Practice*, 8, 29-39.
- MacKinnon-Lewis, C., Volling, B., Lamb, M., Dechman, K., Rabiner, D., & Curtner, M. (1994). A cross-contextual analysis of boys' social competence: From family to school..

- Developmental Psychology*, 30, 325-333.
<https://doi.org/10.1037/0012-1649.30.3.325>
- Malti, T. (2006). Aggression, Self-Understanding, and Social Competence in Swiss Elementary-School Children. *Swiss Journal of Psychology*, 65, 81-91.
<https://doi.org/10.1024/1421-0185.65.2.81>
- Maner, J. K. (2009). Anxiety: Proximate processes and ultimate functions. *Social and Personality Psychology Compass*, 3(5), 798-811.
<https://doi.org/10.1111/j.1751-9004.2009.00227.x>
- Marashi, S., Shehni Yailagh, M., Omidian, M. (2022). The Relationship between Trait Anger, Moral Disengagement, Anger Rumination and Aggression in High School Student: Test of a Moderating Mediator Model. *Biannual Journal of Contemporary Psychology*, 17(2), 127-139. [In Persian]
- Martin, R. C., & Dahlen, E. R. (2005). Cognitive emotion regulation in the prediction of depression, anxiety, stress, and anger. *Personality and Individual Differences*, 39(7), 1249-1260.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2005.06.004>
- Mashhadi, A., Ghasempour, A., Akbari, E., Ilbeygi, R., & Hassanzade, SH., (2013). the role of anxiety sensitivity and emotion regulation in prediction of students social anxiety disorder knowledge & research in applied psychology, 14(2 (52)), 89-99. SID.
<https://sid.ir/paper/163943/> [In Persian]
- Mathews, A. (1990). Why worry? The cognitive function of anxiety. *Behaviour Research and Therapy*, 28(6), 455-468.
[https://doi.org/10.1016/0005-7967\(90\)90132-3](https://doi.org/10.1016/0005-7967(90)90132-3)
- Miller, P. A., & Eisenberg, N. (1988). The relation of empathy to aggressive and externalizing/antisocial behavior. *Psychological Bulletin*, 103(3), 324-344.
<https://doi.org/10.1037/0033-2909.103.3.324>
- Nederlof, A., Muris, P., & Hovens, J. (2014). Anger, anxiety, and feelings of delusional threat as predictors of aggressive attitudes: An experimental mood induction study in a non-clinical sample. *Personality and Individual Differences*, 57, 25-30.
<https://doi.org/10.1016/J.PAID.2013.09.006>
- Neumann, I. D., Veenema, A. H., & Beiderbeck, D. I. (2010). Aggression and anxiety: social context and neurobiological links. *Frontiers in behavioral neuroscience*, 4, 12.
<https://doi.org/10.3389/fnbeh.2010.00012>
- Norström, T., & Pape, H. (2010). Alcohol, suppressed anger and violence. *Addiction*, 105(9), 1580-1586.
<https://doi.org/10.1111/j.1360-0443.2010.03019.x>
- Parandin, S. (2006). *Structure and normalisation of social competence test in Tehran City Adolescents* [Master's thesis, Allameh Tabatabayee University]. [In Persian]
- Pelin, F., Predoiu, R., Mitrache, G., Badea, D., & Predoiu, A. (2022). The value structure of Pre-Teens at risk of school dropout. *Revista Romaneasca Pentru Educatie Multidimensionala*, 14(3), 234-249.
<https://doi.org/10.1177/0265407591083005>
- Perc, M. (2007). Uncertainties facilitate aggressive behavior in a spatial hawk-dove game. *International Journal of Bifurcation and Chaos*, 17(11), 4223-4227.
<https://doi.org/10.1142/S0218127407019096>
- Pettit, G., Harrist, A., Bates, J., & Dodge, K. (1991). Family interaction, social cognition and children's subsequent relations with peers at kindergarten. *Journal of Social and Personal Relationships*, 8(3), 383-402.
<https://doi.org/10.1177/0265407591083005>
- Polman, H., Castro, B., & Aken, M. (2008). Experimental study of the differential effects of playing versus watching violent video games on children's aggressive behavior. *Aggressive Behavior*, 34(3), 256-264.
<https://doi.org/10.1002/ab.20235>
- Popova L.D., Vasylyeva I.M., & Nakonechnaya O.A. (2017) Interrelation between Anxiety Level and Aggressiveness. *International Journal of Neurorehabilitation*. 04(01): 242.
<https://doi.org/10.4172/2376-0281.1000242>
- Qasempour, A., Ilbeigi, R., & Hasanazadeh, S. (n.d.). Psychometric properties of Gross and John's emotion regulation questionnaire. *Proceedings of the Sixth Conference of College Students' Mental Health, University of Gilan* (pp. 722-724). [In Persian]
- Roberton, T., Daffen, M., & Bucks, R. S. (2012). Emotion regulation and aggression. *Aggression and Violent Behavior*, 17(1), 72-82.
<https://doi.org/10.1016/j.avb.2011.09.006>
- Robinson, M., Fetterman, A., Hopkins, K., & Krishnakumar, S. (2013). Losing One's Cool. *Personality and Social Psychology Bulletin*,

- 39(9), 1268 - 1279.
<https://doi.org/10.1177/0146167213490642>
- Ryan, A. M., & Shim, S. S. (2006). Social achievement goals: The nature and consequences of different orientations toward social competence. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32(9), 1246–1263.
<https://doi.org/10.1177/0146167206289345>
- Shaikhpoor, G., Mafi, M. H., Mafi, M., Amiri, A., & Hosseinigolafshani, S. Z. (2020). Effect of assertiveness training on adaptive and aggressive assertiveness in nurses. *The Journal of Qazvin University of Medical Sciences*, 24(3), 212–223. [In Persian]
- Vanin, J. R. (2008). Overview of anxiety and the anxiety disorders. In J. R. Vanin (Ed.), *Anxiety disorders. Current clinical practice* (pp. 1–2). Humana Press.
https://doi.org/10.1007/978-1-59745-263-2_1
- Veenema, A., Torner, L., Blume, A., Beiderbeck, D., & Neumann, I. (2007). Low inborn anxiety correlates with high intermale aggression: Link to ACTH response and neuronal activation of the hypothalamic paraventricular nucleus. *Hormones and Behavior*, 51(1), 11–19.
<https://doi.org/10.1016/j.yhbeh.2006.08.004>
- Verplanken, B., & Holland, R. W. (2002). Motivated decision making: Effects of activation and self-centrality of values on choices and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(3), 434–447.
<https://doi.org/10.1037/0022-3514.82.3.434>
- Von Collani, G., & Werner, R. (2005). Self-related and motivational constructs as determinants of aggression. *Personality and Individual Differences*, 38(7), 1631–1643.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2004.10.003>
- Webster, G. D., DeWall, C. N., Pond, R. S., Jr, Deckman, T., Jonason, P. K., Le, B. M., Nichols, A. L., Schember, T. O., Crysel, L. C., Crosier, B. S., Smith, C. V., Paddock, E. L., Nezlek, J. B., Kirkpatrick, L. A., Bryan, A. D., & Bator, R. J. (2014). The Brief Aggression Questionnaire: Structure, Validity, Reliability, and Generalizability. *Journal of personality assessment*, 97(6), 638–649.
<https://doi.org/10.1080/00223891.2015.044093>